

## ضرورت و اهمیت پاسخ‌گویی در حوزه‌های علمیه\*

سخنان حضرت آیت‌الله محمد مهدی شب زنده دار (مدظله‌العالی)

بسم الله الرحمن الرحيم

پاسخگویی و آمادگی برای آن، در حوزه‌های علمیه از اهمیت بالایی برخوردار است از این رو در کتاب شریف احتجاج روایتی مرسل منسوب به مولایمان ابومحمد حسن بن علی الزکی العسگری علیه السلام نقل می‌کند. حضرت علیه السلام می‌فرمایند: «قال أشدُّ من يُتِّمُّ الْيَتِيمَ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ امه و أبيه، يُتِّمُّ يَتِيمًا انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ» واژه *يُتِّمُّ* عبارت است از کسی که از امامش منقطع می‌گردد. کسی ممکن است پدر یا مادر یا هر دو را از دست بدهد. زندگی این شخصی که یتیم گردیده، چقدر با مشکلاتی از لحاظ روحی و احساسات، از نظر احساس غربت، از نظر اینکه برای خودش پشتوانه‌ای نمی‌بیند مواجه می‌شود، این خیلی مشکل هست. اما حضرت می‌فرماید بالاتر و شدیدتر از یتیمی اینست که انسان از امامش منقطع شود، امام او پشت پرده غیبت باشد یا اینکه در زندان باشد یا در اثر حوادث روزگار نتواند خدمت آن بزرگوار برسد «وَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُضُوءِ إِلَيْهِ وَ لَا يَدْرِي كَيْفَ حُكْمُهُ فِيمَا يُبْتَلَى بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ». نمی‌داند وظیفه‌اش چیست؟ «أَلَا قَمَنْ كَانَ مِنْ شَيْعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا، وَ هَذَا الْجَاهِلُ بِشَرِيْعَتِنَا الْمُنْقَطِعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حَجْرِهِ» کسی که از علما که

---

\*. متن پیش‌رو برگرفته از سخنان حضرت آیت‌الله شیخ محمد مهدی شب زنده‌دار مدظله، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه و عضو فقهای شورای نگهبان است که در مراسم اختتامیه سومین جشنواره پاسخ برتر در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۳ شمسی در محل سالن همایش مدرسه علمیه معصومیه قم ایراد شده است.

آشنای به احکام الهی است آشنای به شریعت است، این جاهلی که از امامش منقطع است و دسترسی به امامش ندارد این عالم ملجأ و پناه این چنین انسانی می‌شود، «أَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ أَرشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيعَتَنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى» (طبرسی، الاحتجاج، جلد ۱، ص ۱۵) این پاداش عظیم، این پاداش والا برای انسانی است که پناه کسی است که خدمت امامش نمی‌تواند برسد، امروز که امام ما و مقتدای ما و عزیزتر از جان ما بقية الله الاعظم ارواحنا فداه در غیبت به سر می‌برند و ما از وصول به آن بزرگوار محروم هستیم، مراجع و علما و حوزه‌های علمیه و شما که آماده شده اید برای اینکه شبهات را گوش کنید، باید محلی باشید که شبهات به شما عرضه شود و در مقابل پاسخ‌هایی داده شود که دارای استناد صحیح و درست باشد.

در این عرصه به‌طور اختصار چند مطلب باید مورد توجه همه ما باشد:

### مطلب اول: اسلام در همه ابعاد

آنچه اسلام مطرح می‌کند، این است که عرصه فعالیت این دین، تمام گستره زندگی بشر- است؛ از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی، تا مسائل سیاسی، تا مسائل بین‌المللی، تا مسائلی که به مجموعه بشریت ارتباط دارد. اسلام در همه زمینه‌ها حرف برای گفتن دارد. آنچه که حیات انسان به آن نیازمند است، اسلام متکفل راهنمایی در تمام زمینه‌هاست. این ادعایی است که اسلام و علما در حوزه‌های علمیه دارند که اسلام به تمام معنا پاسخگوی تمام نیازهای بشریست. بنابراین بعد از این ادعا، آنچه که بر ما لازم است، این است که در تمام رشته‌های مربوطه ما باید عالم، دانشمند، مطلع از محاسن الهیه داشته باشیم و این کاریست که از دیر زمان از زمان ائمه هدی علیهم‌السلام این چنین بوده است. شما با مراجعه به رجال کشی، برخی احوالات افرادی همچون هشام‌بن حکم را ملاحظه می‌کنید. امام صادق علیه‌السلام افراد مختلفی، در رشته‌های مختلف پرورانده بودند که آماده پاسخگویی بودند. آن هم نه آمادگی معمولی بلکه بسیار حاضر و ماهر حتی در ادبیات.

شخص شامی خدمت امام صادق علیه‌السلام آمد و عرض کرد که شنیده ام شما پاسخگوی هر سؤالی، از هر علمی و از هر بابی هستید و آمده ام با شما بحث کنم. حضرت نفرمودند که من آمادگی ندارم یا به او جواب منفی بدهند. خیلی با روی باز پذیرفتند او را احترام کردند،

فرمودند: حاجت چیست؟ وقتی بیان حاجتش کرد، حضرت به یکی از شاگردانش فرمود: پاسخ ایشان را در این باب بده! وی گفت آقا من آمده‌ام با شما مباحثه کنم و از شما استفاده کنم. حضرت فرمودند: اگر تو بر این شاگرد من پیروز شدی؛ یعنی بر من پیروز شدی؛ یعنی ببینید چه جور تربیت شده که حضرت اطمینان دارند که او از عهده این سؤالات برخوردار خواهد آمد که این جور تضمین می‌کنند، از این روایت استفاده می‌شود علاوه بر فقهت، در باب ادب و ادبیات عرب آنچنان تسلط داشت که حضرت به او ارجاع دادند وقتی با او بحث کرد، شگفتی و اعجاب او برانگیخته شد که عجب! چه شخصیتی است، بعد عرض کرد: در فقه؟ حضرت به زراره فرمود. زراره هم آنچنان در این میدان ظهور و بروز پیدا کرد که مورد اعجاب او واقع شد. بعد گفت در کلام با هم بحث کنیم. حضرت به هشام ارجاع دادند در تمام این رشته‌هایی که او مطالبه می‌کرد، امام صادق علیه السلام فرآورده‌های این چنینی داشتند و ارجاع می‌دادند. بنابراین حوزه‌های علمیه این وظیفه خطیر را دارند که با اقتداء به ائمه هدی علیهم السلام بخصوص حوزه علمیه قم در تمام زمینه‌هایی که بشر سؤالاتی دارد و به آن نیاز دارد، پاسخگو باشد.

### لزوم پاسخ به پرسش‌ها علاوه بر شبهات

بسیاری از سؤالات شبهه نیست ولی برای ازدیاد معرفت است، شبهه ندارد بلکه دنبال کسب معرفت عمیق هست، شبهه برای کسی است که در حیرت به سر می‌برد، نمی‌داند حق چیست؟ لذا سؤال می‌کند و باید پاسخ گفت. اما بسیاری از سؤالات برای ازدیاد معرفت است. کتاب علل الشرایع یک کتاب قطور و بزرگی است که بخشی از علل احکام را که از ائمه علیهم السلام سؤال شده و بیان فرموده‌اند، آورده است. بسیار هم سازنده است که انسان با توجه به حکم احکام، فلسفه احکام به عظمت اسلام و به عظمت شریعت مقدسه و عظمت باری تعالی پی برد که براساس علم و اساس ظرایف و دقائق حیرت‌آور جهان که هر چه علم پیشرفت می‌کند برای کسانی که اهل تحقیق و تعمیق هستند، شگفت‌آور است که یک انسان مدرسه نرفته (امی) که آن محیط خالی از علم و معرفت و اینها احکامی را بیان فرموده که امروز با پیشرفت‌های عظیم علمی انسان به حقانیت آنها پی می‌برد و یکی از ادله عامه بر حقانیت اسلام و نبوت آن بزرگوار همین مطالبی است که کشف می‌شود و

روشن می‌کند که آن بزرگوار با مبدأ اعلای عالم مرتبط است که جز از رهگذر وحی قابل دسترسی نیست.

### مطلب دوم: پاسخ مطلوب

مسئله دوم دارای چند نکته است که باید مورد توجه قرار بگیرد:

#### نکته اول: هدف پاسخ مطلوب؛ مجاب شدن یا ساکت شدن؟

سؤال این است که پاسخ مطلوب چه پاسخی است؟ آیا پاسخ مطلوب این است که طرف مجاب بشود، ساکت بشود یا نه؟ با مراجعه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام به خصوص همین روایاتی که در حوزه امام صادق علیه‌السلام رخ داده است. روشن می‌شود که پاسخ مطلوب چه پاسخی است. در یکی از مناظره‌هایی که در محضر مبارک امام صادق علیه‌السلام انجام شده و هم در کافی شریف و هم در احتجاج و هم در بعضی منابع دیگر روایت شده است می‌بینیم یک نفر دیگر خدمت امام صادق علیه‌السلام آمده و سؤالاتی دارد در آنجا مجدداً حضرت، در همان مجلس خودشان به علما و دانشمندانی که تربیت شده‌اند ارجاع می‌دهند که یکی از آنها هشام بن حکم است که اتفاقاً در این داستان نقل شده که هشام تازه مقداری محاسنش درآمده بود و یک جوانی بود بسیار کم سن و سال. اینها تربیت‌شدگان این حوزه مبارک بودند. تمام اینها چهار نفر از این عزیزان با او مباحثه کردند و به حدی اینها قوی و ماهر بودند که تعجب این فرد را باعث شدند که در پایان خدمت امام صادق عرض کرد شما می‌خواستید به من نشان بدهید چه فرآورده‌های عالی و دانشمندی تربیت کرده‌اید که خودتان متصدی جواب نشدید و به او ارجاع دادید. حضرت علیه‌السلام فرمود: بله می‌خواستیم بدانید ما چه تربیت کرده‌ایم. سپس حضرت علیه‌السلام برای این پاسخ دهنده‌ها یک داوری کردند و یکی یکی نقاط ضعفشان را بیان کردند و بعد در پایان نشان دادند که چه جور باید پاسخ گفت و پاسخ صحیح و مطلوب چگونه پاسخ دادنی است. من این روایت را که خیلی مفصل هست، فقط قسمت آخرش را عرض می‌کنم. «فقال علیه‌السلام یا حمران تُجری الکلام علی الأثر فتُصیب» (طبرسی، احتجاج ج ۲، ص ۳۶۵) این جمله معنایش چیست؟ بین بزرگان محدث اختلاف شده که حضرت چه چیزی می‌خواهد بفرماید؟ چند احتمال داده شده است. مرحوم مجلسی ثانی رضوان الله علیه احتمالاتی داده‌اند. مفسرین دیگر احتمالاتی داده‌اند اما اظهار احتمالات که ایشان انتخاب فرموده و به ذهن می‌آید حضرت فرمودند: تو؛ یعنی حمران در

مقام جواب به روایات مأثوره، (روایاتی که از ائمه علیهم السلام و نبی مکرم صلی الله علیه و آله رسیده است) استناد و به آنها تکیه می‌کند. ضمناً در مقام جواب و توصیه به حق هم می‌کند.

پس از نکات حضرت به دست می‌آوریم. وقتی منبع صحیح بود، جواب مطلوب جوابی است که از منبع صحیح، کتاب و سنت برخاسته است. پس بنابراین حوزویان و شما عزیزان حوزوی، باید مطالعات عمیق، همه جانبه، مکرر، گسترده و با تقسیم رشته‌های مختلف؛ عده‌ای در فلان باب، عده‌ای در فلان باب، داشته باشید. همانی که مرحوم شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم) قائل به این بودند که باید رشته‌های تخصصی ایجاد بشود. وقتی شبهات فراوان است، احتیاج به اطلاعات فراوان دارد، قهراً اقتضا می‌کند که افراد مختلف متخصص در رشته‌های مختلف باید داشته باشد.

#### **نکته دوم: قیاس پردازي حيله گري است.**

نکته دوم در پاسخ مطلوب این است که یکی دیگر از آن پاسخ‌گویان محترم بود «فقال قیاسٌ رَوَّاعٌ تَكْسِيرٌ بِبَاطِلٍ بِبَاطِلٍ إِلَّا أَنْ بَاطِلُكَ أَظْهَرَ» (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۶۷) حضرت فرمودند شما خیلی اهل قیاسی؛ یعنی از این شاخه به آن شاخه می‌پری. یک مسیر مستقیم را دنبال نمی‌کند.

#### **نکته سوم: جواب دادن بواسطه کلام باطل، مطلوب نیست**

شما کمر باطل رو می‌شکنی اما با یک باطل دیگر، بله این قدرت و توانایی دارید که باطل تو أظهر است باعث می‌شود طرف ساکت شود و نتواند در مقام محاجه و مناظره مطلبی داشته باشد، اما این مطلوب ما نیست. با باطل جواب دادن مطلوب نیست و فقط ساکت کردن و مجاب کردن ظاهری طرف است و ساکت کردن، این محبوب شارع و مطلوب حوزه امام صادق علیه السلام نیست. یکی دیگر از کسانی که در مجلس با آن شخص مباحثه کرد، حضرت فرمودند تو به خیال خود می‌خواهی مطلبی را از پیامبر معظم صلی الله علیه و آله به ذهن‌ها نزدیک کنی و حال اینکه جوری بیان می‌کنی که از ذهن‌ها دور می‌شود و تو در مباحثات و پاسخ به سؤالات خود، حق و باطل را مخلوط می‌کنی.

راوی این داستان گفت به نظرم آمد که الان امام صادق علیه السلام راجع به هشام هم همینطور قضاوتی می‌فرمایند ولی نه!

حضرت راجع به هشام فرمودند: تو آنچنان چیره و قوی هستی که مانند یک کبوتر که چطور پاهای خودش را جمع می‌کند و خیز برمی‌دارد و می‌پرد همین که تو مباحثه می‌بینی می‌خواهی از طرف ضربه بخوری، آنچنان خودت را جمع می‌کنی و پرواز می‌کنی و هیچ جا اینطور نیستی که در بهانی و طرف مقابل بتواند بر تو چیره شود. در بحث کردن خیلی قوی، مسلط و ماهر هستی بعد فرمود: همانند تو شخصیت ماهر ورزیده و مطلع قوی باید در مقام جواب و پاسخگویی وارد شود و با مردم سخن بگوید. بعد فرمود پاداش و مژده کسانی که در این راه هستند (همچون عزیزانی مثل شما) که فرمود: «إِتَّقِ الرَّزْلَةَ وَ أَشْفَاعَهُ مِنْ وَرَائِكَ» (بحارالأنوار، ج ۲۳، ص ۹؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۶۷) از گمراهی پرهیز کن، مواظبت و دقت کن، اگر این کار را کردید مشمول شفاعت ما خواهید گردید انشالله.

بنابراین از این روایت و این داستان به دست می‌آید پاسخ مطلوب، پاسخی است که نه اینکه فقط طرف را مجاب و ساکت کند و دیگر حرفی نداشته باشد بزند. نه! بلکه جواب مطلوب آن است که صحیح و درست باشد و از مقدمات باطل استفاده نشود، مغالطه آمیز نباشد. مقدمات صحیح و درست به کار گرفته شود. مطلب دیگر که در پاسخ‌ها خیلی مهم هست اینکه پاسخ‌ها باید روشن، ساده، موافق با فطرت و با بیانات واضح و روشن باشد. وقتی به قرآن شریف مراجعه می‌کنیم، فرموده است: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ بگو: اگر راست گویند دلیل و برهان خود را بیاورید (بقره: ۱۱۱) اینکه بعضی‌ها می‌گویند: نه! برهان لازم نیست. ما باید بپذیریم اسلام خودش اقامه دلیل فرموده است اما با دلیل‌های روشن و واضح.

آخرین عرض این است که ما دو گونه جواب داریم: جواب تفصیلی و جواب اجمالی. جواب اجمالی بنایش این بود یک مبنا، یک برهان و یک دلیل واحد است. اگر مورد تصدیق جازم انسان قرار گرفت این برهان واحد می‌تواند حلال و پاسخگوی بسیاری از مسائل و شبهات باشد که انسان را وارد حیرت و ضلالت نکند و متأسفانه این پاسخ اجمالی الان کم‌رنگ شده چون شبهات نابجا، مغالطه‌ها آن‌ها را به حالت تحیر درآورده است. کسی که می‌گوید تا من فلسفه حجاب را ندانم، حجاب را رعایت نخواهم کرد. حُب شما یک وقت جواب تفصیلی می‌خواهید بدهید؛ یعنی بیایید حکم حجاب و فلسفه حجاب را، مصالحی

که بر حجاب مترتب است، مقاصدی که بر عدم حجاب مترتب است، اینها جواب تفصیلی است. اما جواب اجمالی که همه جا می‌توانید به آن تمسک کنید به قول صاحب معالم رحمته الله می‌گوید مقلد هم مثل مجتهد دلیلی دارد، اما مجتهد ادله‌اش برای هر مطلبی دلیل جدا است، اما مقلد یک دلیل دارد و همه جا به آن دلیل استناد می‌کند. مقلد دلیل دارد، دلیلش اینکه اگر ما حکمت و علم حق تعالی، رحمت و ارحم الراحمین بودن حق تعالی، اینها را تصدیق و باور کردیم، بعد اگر خدا در قرآن فرمود، دیگر دلیلش این است که خدا گفت این را می‌پذیرد و عبودیت اینجا روشن می‌شود؛ اگر ما به خاطر خواص و آثار و حکم آمدیم ما بنده آثار و حکم هستیم نه بنده خدا، خدا تو گفتی؟ چشم! این دلیل احتمالی و عمومی را را ما باید توضیح بدهیم. در دل جوان‌های عزیز این مطلب باید با استدلال، تبیین و روشن شود. البته در کنار آن حکم تفصیلی و استدلال تفصیلی هم به جای خودش وجود دارد.

### نکته پایانی

آیا برای قانع شدن پرسشگران حالات پاسخ‌دهنده مؤثر هست یا نیست؟ حتماً وارستگی پاسخگو مؤثر است؛ چراکه پاسخ وقتی به دل می‌نشیند و اطمینان آور و محل اعتماد است که این پاسخگو خداترس باشد و نمی‌خواهد کلاه سر من بگذارد. راه را می‌خواهد به من نشان بدهد. زهد؛ یعنی دل نبستن به دنیا. اگر مردم و جوانها تصدیق کنند که حوزویان و روحانیان، دلسوزند و دل به دنیا نبسته‌اند، این اثر عمده در این دارد که پاسخ‌ها به دل آنها بنشینند. اینکه گوینده این چنین گوینده ایست باعث می‌شود بدانند مقدماتی که برای استدلال به کار برده می‌شود، عاری از مغالطه، عاری از دورویی، عاری از نفاق، عاری از اینکه برای مقاصد نفسانی و برای مقاصد شخصی بیان می‌شود، می‌باشد. این باعث می‌شود که دل‌ها پذیرا بشود و سهم عمده‌ای در اینکه پاسخ‌ها مفید باشد، خواهد داشت.